

بِسْمِ تَعَالَى

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

۱- برای صدور این امر...
ب زمانها - دانشها
بر روی آنها...
ارسال شود
۲- برادر بزرگوار...
فرستادن ارسال شد
تلاشهای طریقی...
معا...
۹۴، ۷، ۶

سند راهبردی

گفتمان توسعه

نظام آموزش، پژوهش و فناوری کشور

۲
دبیرخانه محترم

لطفاً ب بنده ارجاع شود.

جواب در ۱۰، ۷، ۷، ۹۴

شهریور ۱۳۹۴

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دبیرخانه مرکزی

شماره: ۱۳۱/۳۱ تاریخ: ۷، ۷، ۹۴

مقدمه:

جایگاه رفیع و رسالت خطیر آموزش عالی، ایجاب می‌کند که نسبت به تدوین سند راهبردی بعنوان کانون گفتمان و عملکرد توسعه‌ای اقدام شود. بدیهی است مرتبه‌بندی مسائل با توجه به اصلی‌ترین چالش‌های پیش روی صورت پذیرفته و پرداختن به آنها نیازمند راهبردهای مؤثر با پرهیز از اتلاف‌ها و حاشیه‌ها و تأکید بر بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های قانونی، حقوقی، اداری، سازمانی و تشکیلاتی موجود است. گفتمان و عملکرد توسعه‌ای همگرا در حوزه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و نیز همراستایی مجموعه عوامل مرتبط ستادی و اجرائی زمینه‌افزایش کارآیی، اثربخشی، ارتقاء کیفیت و پاسخگویی به نیازها را بطور چشمگیر فراهم می‌نماید. تحول، نوسازی و مشارکت سازنده در عرصه عتف، مقاوم‌سازی اقتصاد ملی و بالندگی سرمایه‌های فردی، انسانی، اجتماعی، همچنین توسعه و روزآمد شدن فناوری را بدنبال داشته و افزون بر آن تعادل و توازن اهداف توسعه همه جانبه و ورود به عرصه‌های وسیع دانش بنیانی در سطوح گسترده و درجات بالاتر نیز عینیت می‌پذیرد.

در مرحله نخست این نگاشت ۴ چالش اصلی و متناظر با آن ۴ راهبرد بنیادین اصلاحی با نگاه عمیق به اسناد بالادستی از یک سو و رسالت‌ها و مأموریت‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری از سوی دیگر به مثابه مبانی تدوین این سند تعریف شده‌اند.

چالش‌ها و راهبردهای برگزیده در مرحله نخست تدوین سند راهبردی

چالش اصلی	راهبرد بنیادین
۱- آموزش عالی عرضه محور و ضعف در پاسخگویی به تقاضای بازار در نیازهای جامعه و توسعه کشور	۱- ارتقاء کیفیت جهت پاسخگویی به نیازهای جامعه و توسعه کشور
۲- گستره پهناور آموزش عالی و پژوهش کشور در یک نظام بسته و بدون انتظام بخشی لازم	۲- لزوم درجه‌بندی، سطح‌بندی، آمایش آموزش عالی در گستره جغرافیایی کشور و تعامل بین‌المللی کارآمد
۳- نظام حکمروایی واگرا در عرصه آموزش عالی و پژوهش کشور	۳- بی‌ریزی کارآیی سپهر نظام حکمروایی آموزش عالی و پژوهش کشور
۴- کاهش سرمایه اجتماعی و ضعف در کارآیی رویکردهایی فرهنگی و اجتماعی	۴- ارتقاء وضعیت فرهنگی و اجتماعی دانشگاهیان (اساتید و دانشجویان) و مفتخرشدن آنها به خود و ایرانی بودن

ظرفیت‌ها و سرمایه‌ها:

نقش بی‌بدیل عتف در مسیر توسعه، ضرورت پابندی بر حدود و برخورداری از سرمایه‌ها و ظرفیت‌های قانونی، تشکیلاتی، اداری و سازمانی ارزشمندی همچون:

قانون اهداف و وظایف و تشکیلات عتف، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه و فناوری در کشور، سند دانشگاه اسلامی، نقشه جامع علمی کشور، سند مهندسی فرهنگی کشور، سند اقتصاد مقاومتی، سیاست‌های کلی علم و فناوری و برنامه‌های توسعه را دو چندان نموده و دستاوردهای ارزشمندی را دربر داشته است که ذیلاً و به اختصار می‌توان بدان‌ها اشاره نمود:

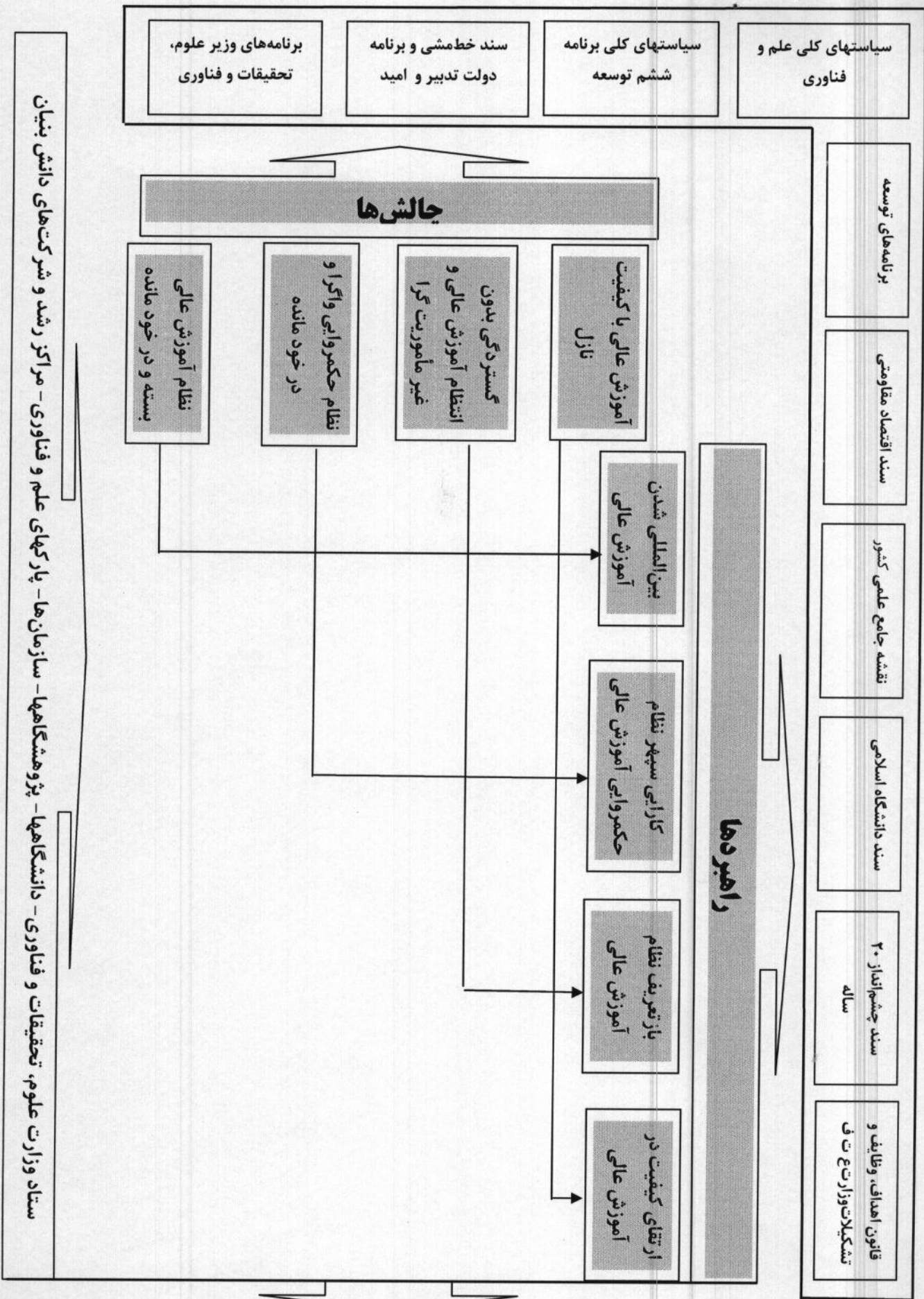
- توسعه کمی علمی و فناوری جهت تأمین نیازها در گستره حوزه‌های جمعیتی، جغرافیایی، بازار کار و نیازهای توسعه‌ای کشور
- گسترش واحدهای عتف در پهنه جغرافیایی کشور
- توسعه کیفی عرصه‌های عتف بویژه در حوزه تحصیلات تکمیلی
- شکل‌دهی زیرساخت‌های پژوهشی لازم و تعامل آن با فرایندهای توسعه کشور
- شکل‌دهی و توسعه پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد جهت تأمین نیازهای رو به رشد، عرصه‌های مختلف توسعه و پیشرفت کشور
- ایجاد شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان جهت پاسخگویی به نیازهای توسعه همه جانبه و پایدار کشور
- توسعه نسبی و اولیه فناوری‌های نوین / نانو، بیو، هوا فضا

مسائل، چالش‌های اساسی، راهبردهای بنیادین:

در کنار سرمایه‌های ارزشمند قانونی، حقوقی، سازمانی، تشکیلاتی، نهادی و دستاوردهای کمی و کیفی گسترده و ارزشمند حوزه‌های عتف، بعنوان نشانه‌ها و عوامل وجود قوت، بطور طبیعی نقاط ضعف و تهدیدهایی نیز موجبات در هم‌تنیدگی و شکل‌یابی چالش‌هایی را فراهم آورده است. در این شرایط و به منظور نوسازی و بازسازی ساختارها و کارکردهای جامع در حوزه عتف و متناسب با چالش‌ها نیاز است نسبت به تعریف و تبیین راهبردهای اصلاحی لازم اهتمام گردد. تا در پرتو کارکرد کارآمد و اثربخش این راهبردهای بنیادین، بتوان به مقابله با ضعف‌ها و تهدیدها پرداخت و بر مبنای قابلیت تبدیل تهدید و ضعف به فرصت و قوت موجبات رشد، هم‌افزایی و بالندگی پایدار و مستمر توسعه کشور را فراهم ساخت.

مدل مفهومی سند:

به منظور درک بهتر ارتباط میان چالش‌ها، راهبردهای متناظر، سرمایه‌های موجود و نقش‌آفرین بازیگران حوزه عتف، مدل مفهومی زیر ارائه گردیده است و در ادامه نسبت به تبیین جزئیات و ارتباط حیطة به حیطة چالش‌ها و راهبردهای مطرح اقدام شده است.



سند وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاهها - پژوهشگاهها - سازمان‌ها - پارکهای علم و فناوری - مراکز رشد و شرکت‌های دانش بنیان

تربیت نیروی انسانی متخلق به مکارم اخلاقی و مولد علم نافع برای سعادت‌مندی دنیوی و اخروی

چالش ۱: آموزش عالی عرضه محور و ضعف در پاسخگویی به تقاضاها و نیازهای جامعه و توسعه کشور

- عدم تناسب میان توانمندی‌های دانش آموختگان با بازار و نیازهای حال و آتی توسعه کشور.
- کمی‌گرایی گسترده و عدم تناسب رشد کمی حوزه‌های علم و فناوری با رشد کیفی.
- بهره‌گیری غیرکارآمد و با اثربخشی کم از منابع (دولتی، خصوصی ...) در تأمین نیازهای بازار و جامعه.
- تعامل غیرکارآمد، غیرفعال، ناهماهنگ و نامتوازن بین بخش عمده‌ای از دستاوردهای عتف با نیازهای جامعه و توسعه کشور.
- استیلای عرضه محور بر جنبه‌های تقاضا محوری و عدم توازن و همگرایی میان فلسفه وجودی آموزش عالی و نیازهای حال و آتی توسعه کشور.
- گسست جدی میان فرایندهای انباشت دانش و تبدیل آن به فناوری و مهارت .
- ضعف در خوانش بومی و فهم کارآمدی و اثربخش از علوم دانشگاهی بویژه علوم انسانی جهت پاسخگویی به مطالبات توسعه‌ای همه جانبه در کشور.

راهبرد بنیادین ۱: ارتقاء کیفیت جهت پاسخگویی به نیازهای جامعه در راستای توسعه کشور

- جهت پی‌ریزی برنامه عملیات برای مواجهه کارآمد و اثربخش با مسائل و مشکلات که در چهارچوب چالش شماره ۱ از آنها یاد شده و همچنین جهت استفاده مطلوبتر از ظرفیت‌ها و سرمایه‌های قانونی، حقوقی، تشکیلاتی، مدیریتی، منابع انسانی و سرمایه‌انسانی حوزه‌های عتف، از راهبرد فوق‌الذکر تعریف و تبیین عملیاتی طی بندها و موارد ذیل ارائه می‌شود:
- بازبینی و بازآفرینی رشته‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی به منظور هدفمند نمودن کمیت و کیفیت تولیدات نظام عتف مطابق یک نظام جامع، منصف و شفاف.
 - باز تعریف مراکز آموزش عالی و پژوهشی دولتی، آزاد اسلامی، فنی و حرفه‌ای، پیام نور، علمی و کاربردی بعنوان زیر مجموعه گسترده آموزش عالی براساس مأموریت محوری و پاسخگویی هر یک از آنها به تناسب جایگاه ویژه خود به نیازهای جمعیتی، جغرافیائی، بازارکار محلی، منطقه‌ای، ملی و امکان احراز جایگاه در علم جهانی.
 - روزآمد کردن دروس، رشته‌ها بویژه در حوزه علوم انسانی، خوانش بومی و ارتقای توان و قابلیت‌های کاربردی آن با تکیه بر اخذ راهکار از مسائل و شرایط محیطی و تاریخی.
 - پی‌ریزی الزامات تبدیل دانش به فناوری، محصول و مهارت و بالندگی رو به گسترش اقتصاد دانش بنیان.
 - باز تعریف جذب استاد، گزینش دانشجو، چگونگی تخصیص آنها متناسب با رشته‌های مختلف به منظور بهره‌وری روزافزون در تناسب با روند توسعه کشور.
 - توجه ویژه به کیفیت متناسب نیروی انسانی در مراکز آموزشی، پژوهشی و فناوری جهت ارتقاء سطح هویت آنها و تبدیل مستمر فرایندهای آموزش به فناوری، مهارت و خلق ثروت.
 - افزایش مستمر و پایدار سهم دانش و فناوری در ثروت ملی (GNP).
 - خلق مزیت‌ها در رقابت‌ها و عمق بخشی به تخصص‌ها برپایه تقسیم کار نوین بین واحدها و حوزه‌ها.
 - ایفای نقش همه جانبه و با کفایت بخش آموزش عالی، پژوهش و فناوری در کانون مسئولیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی کشور.
 - تنوع بخشی به ساختار و تعامل پایدار آموزش عالی با صنعت و جامعه.

- تعامل پویا و متقابل مراکز آموزش عالی، پژوهش و فناوری با دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی جهانی بر پایه دیپلماسی علم و فناوری و بهره‌گیری از ظرفیت‌های ارزشمند ایرانیان متخصص خارج از کشور.
- تقسیم کار نوین علمی در مراکز دانشگاهی و پژوهشی به مقتضای ویژگی‌های محیط درونی و بیرونی هر یک.
- تنوع بخشی به قواعد ارزیابی آموزش عالی، پژوهش و فناوری و اعتبارسنجی براساس استانداردهای مزیت، رقابت و تضمین کیفیت.
- مجزا نمودن روندها و رویکردهای سیاسی، حزبی، جناحی از نظام علمی و دانشگاهی و صیانت همه جانبه از استقلال دانشگاه.
- اتخاذ ترکیب خردمندانه رویکردهای عرضه محوری و تقاضا محوری. تقاضا محوری در پاسخگوئی کارآمد به نیازهای حال و آتی جامعه و عرضه محوری در پاسخگوئی به پی‌ریزی نهادهای علمی پایه و نوین مبتنی بر آینده‌نگری.
- تلفیق و همراستا نمودن مستمر، توأمان و موزون آموزش، پژوهش، فناوری و مهارت با یکدیگر.

چالش ۲: گستره پهناور آموزش عالی و پژوهش کشور در یک نظام بسته بدون انتظام بخشی لازم

- راه‌اندازی ۲۷۰۰ واحد مراکز آموزش عالی و پژوهشی که اکثر آنها بدون در نظر داشتن ویژگی‌های دانشگاهی و صرفاً بنا به اصرار و درخواست‌های افراد، ذی‌نفوذ و ... موجودیت یافته‌اند.
- اشتغال به تحصیل ۴/۵ میلیون نفر در حال حاضر به دور از تمهید ظرفیت‌های شغلی مناسب برای آنان.
- عدم سطح‌بندی و رتبه‌بندی مراکز آموزش عالی و پژوهشی.
- توزیع نامتناسب مراکز آموزش عالی، پژوهش و فناوری با عرصه‌های جمعیتی، جغرافیائی و بازار کار.
- ضعف در مأموریت‌گرایی مراکز آموزشی و پژوهشی در پاسخگوئی به نیازهای حوزه‌های جمعیتی، جغرافیائی و بازار کار.
- ضعف در تعامل، همگرایی و تقسیم کار و مأموریت‌گرایی بین مراکز آموزش عالی و پژوهشی.
- بسته و ضعیف عمل نمودن مراکز آموزش عالی، پژوهش و فناوری کشور با مراکز متناظر در کشورهای منطقه و جهان.

راهبرد بنیادین ۲: لزوم درجه‌بندی، سطح بندی و آمایش آموزش عالی در گستره جغرافیایی کشور و تعامل

بین‌المللی کارآمد

جهت تهیه برنامه عملیاتی جامع، پیشرو و کارآمد بین‌المللی و مواجهه مؤثر با مسائل و مشکلات چالش شماره ۲، راهبرد بنیادین ۲ تحت عنوان لزوم جمع‌بندی، سطح بندی، آمایش آموزش عالی در گستره جغرافیایی کشور و تعامل هدفمند بین‌المللی به شرح زیر تعریف و تبیین می‌شود:

- سطح بندی مراکز آموزش عالی
 - ❖ نسل اول: رویکرد آموزش محور
 - ❖ نسل دوم: رویکرد پژوهش محور با ارتقای نسل اول
 - ❖ نسل سوم: رویکرد فناوری و کارآفرینی، با ارتقای نسل دوم
- سطح بندی مراکز پژوهشی
 - ❖ نسل اول: مراکز تحقیقاتی کاربردی جهت تأمین نیازهای روز بازار و توسعه کشور
 - ❖ نسل دوم: مراکز تحقیقاتی پایه‌ای و بنیادین

❖ نسل سوم: مراکز تحقیقاتی آینده‌نگر عرصه‌های نوین و نیازهای نوین توسعه کشور

- درجه‌بندی و رتبه‌بندی مستمر مراکز آموزش عالی، پژوهش و فناوری براساس استانداردهای کیفی با اعمال پایش‌های نوبه‌ای توسط واحد نظارت، ارزشیابی و اعتبارسنجی و تضمین کیفیت.
- برپائی نظام آمایش آموزش عالی متکی بر مأموریت‌گرائی مراکز آموزش عالی در تناسب با نیازهای منطقی مناطق جغرافیائی و فعالیت بخش‌های اقتصادی و اجتماعی و بازار کار.
- برپائی انتظام لازم و اثربخش بین مراکز آموزش عالی، پژوهش و فناوری و طراحی منظومه کارآمد و اثربخش از آنها توأم با تقسیم کار، مأموریت‌گرائی، هماهنگی و تعامل.
- برقراری انتظام هدفمند و اثربخش میان مراکز آموزش عالی، پژوهش و فناوری کشور با مراکز آموزش عالی، پژوهش و فناوری در سطح جهانی.

چالش ۳: حکمروایی نظام واگرا در عرصه آموزش عالی و پژوهش کشور

- گستره‌ای از مسائل، ضعف‌ها و تهدیدها در عرصه نظام حکمروایی آموزش وجود دارد این گستره از مسائل در بستر زمان و در هم تنیدگی ایجاد شده، چالش سوم با عنوان نظام حکمروایی واگرا را به شرح ذیل پدید آورده است:
- ضعف در مقابله با مداخله گروه‌های ذی‌نفوذ و عدم نوسازی و بازسازی کارآمد.
 - ناتوانی در نظام سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، نظارت حوزه ستادی بر خود و حوزه عملیات.
 - فقدان انسجام لازم، تقسیم کار، کارآمدی و اثربخشی در سطح کلان.
 - هم‌پوشانی و موازی‌کاری در وظایف به ویژه با عملکردهای معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری.
 - بازدارندگی‌های ناشی از نگاه بالادستی شورای انقلاب فرهنگی.
 - مداخلات بی‌امان و دور از انتظار بخش‌هایی از قوه قانونگذاری بصور گوناگون.

راهبرد بنیادین ۳: پی‌ریزی کارایی سپهر نظام حکمروایی آموزش عالی و پژوهش کشور

- به منظور رویارویی مؤثر با چالش شماره ۳، راهبرد بنیادین ۳ تحت عنوان کارایی سپهر نظام حکمروایی در قالب موارد زیر تبیین می‌شود:
- انجام اصلاحات در توسعه مدیریت در حوزه عتف به‌مراه اصلاح فرایندها و بهبود روش‌ها، برپائی تقسیم کار نوین در حوزه ستادی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و فناوری.
 - حذف موازی‌کاری‌ها، برپائی نهادهای فکری معین جهت چاره‌اندیشی پویا و آماده‌سازی ساختارها متناسب با شرایط توسعه‌ای کشور.
 - دستیابی به نوآوری و مدارهای کارآفرینی، سرعت و انعطاف‌بخشی به فرایندها و سطح‌بندی وظایف و مسئولیت‌ها در جهت کاهش هزینه‌ها، توانمندسازی منابع انسانی، منطقی نمودن عملیات و رقابت‌پذیر کردن محصولات (دستاوردها).
 - انجام اصلاحات در راهبری، سیاست‌گذاری، هماهنگی، نظارت، ارزشیابی، تضمین کیفیت نظام آموزش عالی و پژوهش کشور در تناسب با نیازها و شرایط محیطی و توسعه‌ای.

- یکپارچه‌سازی نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مربوط به وزارت عتف با لحاظ داشتن نقش سایر دستگاه‌ها و نهادها به ویژه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- راهبری سیاست‌ها و برنامه‌های حوزه آموزش عالی و پژوهش و فناوری کشور، جهت دستیابی نهائی به فرایندهای تجاری‌سازی و خلق ثروت.
- رقابت‌پذیرکردن محصولات، دستیابی به مرزهای نوین دانش و فناوری و افزایش سهم اقتصاد دانش بنیان.

چالش ۴: کاهش سرمایه‌های اجتماعی و ضعف در کارایی رویکردهای فرهنگی و اجتماعی

- وجود نارسائی‌ها، مسائل و مشکلات، ضعف‌ها و تهدیدها در حوزه فرهنگی و اجتماعی اثرگذاری مولدترین، کارآمدترین بخش از اقشار اجتماعی یعنی دانشگاهیان، کارکنان و مدیران عتف و دانشجویان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بخشی از این نارسایی‌ها عبارتند از:
- تنزل سطح سرمایه اجتماعی، کاهش فرهنگ کار و تلاش علمی، فقدان نظم لازم، تنزل روحیه درستکاری، کم‌عنایتی به ارزش‌ها و بنیان‌های انسجام ملی.
 - ضعف در آموزش‌های اجتماعی و فرهنگی، ضعف در احترام به قانون و مالکیت فکری و معنوی، ضعف در روحیه احترام به اندیشه و تعهد به هنجارهای مشترک.
 - تنزل بهداشت روانی دانشگاهیان.
 - ضعف در حساسیت‌ها و تعهدات دانشگاهیان به منافع و مصالح ملی و فاصله گرفتن از اهداف توسعه کشور.
 - ضعف در خودباوری و بهادادن به خودشکوفایی و مفتخر بودن به خود.
 - ضعف در توانمندی‌ها و مهارت‌های ارتباطی به ویژه در دوران دانشجویی.

راهبرد ۴: ارتقا وضعیت فرهنگی و اجتماعی دانشگاهیان (اساتید و دانشجویان) و مفتخر شدن آنها به خود و

ایرانی بودن

- به منظور رویارویی مؤثر با چالش شماره ۴، راهبرد بنیادین شماره ۴ با عنوان فوق‌الذکر در قالب موارد زیر تبیین می‌شود:
- جلب مشارکت دانشجویان، بعنوان سرمایه‌های ارزشمند در سازندگی فردای کشور و ترغیب و تجهیز آنان به ملاحظات فرهنگی به‌مراه تقویت سلوک و رفتار صحیح اجتماعی در آنان از طریق برنامه‌ریزی اثربخش جهت ارتقاء سطح مسئولیت‌پذیری، متذکر نمودن آنان به وجدان و انضباط فردی، اجتماعی روحیه کار و ابتکار، کارآفرینی، درست‌کاری، قناعت، تعاون، سازگاری و برخوردار شدن از فضیلت خادمیت.
 - برنامه‌ریزی جهت ارتقاء رضایت‌مندی و تعهد مدیران، استادان، کارکنان و دانشجویان به خود، جامعه و کشور و مفتخر بودن به خود و ایرانی بودن.
 - مراقبت کارا و مؤثر از زبان و ادبیات فارسی.
 - حفظ و ترویج آداب اصیل و ارزشمند انسانی و جدیت بر تعمیق آنها.

برنامه‌های اقدام و عملیات گفتمان توسعه‌ای عتف

الف: کلیه واحدهای حوزه ستادی (عتف) دانشگاه‌ها، مراکز آموزشی، پژوهشی و فناوری لازم است در چهارچوب این گفتمان توسعه‌ای از آموزش عالی کشور و در محدوده مسائل، چالش‌ها و راهبردهای مطروحه با تزییلات پیش گفته که همگی دارای پشتوانه قانونی، سازمانی، تشکیلاتی و اداری می‌باشند، نسبت به تهیه و تدوین برنامه‌های اقدام و تصویب آنها در هیأت‌های امناء اقدام نمایند.

ب: کلیه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، پژوهش و فناوری در چهارچوب این سند راهبردی و موازینی که از آن مستفاد می‌گردد مکلف هستند نسبت به تدوین برنامه تحول راهبردی حوزه مسئولیت خود و نیز نسبت به سامان دادن به جریان عملیات و فرایندهای موجود در جهت ارتقاء کیفیت و پاسخگویی به نیازهای جامعه، اهتمام نمایند.

ج: برنامه‌های حاصل از سند پس از تصویب نهائی آن به موازات یکدیگر با در نظر داشتن اولویت و امکان‌پذیری و نیز با رعایت زمانبندی لازم، و همچنین عنداللزوم در امتداد یکدیگر به اجرا درآمده و تا دستیابی به اهداف سند ادامه یافته و مفاد سند تا مورد تجدید و نظر واقع نشوند نافذ و متبّع خواهند بود.

دستاوردها:

(۱) با ابتناء به این سند و گفتمان توسعه‌ای حاصل از آن، آموزش عالی، پژوهش و فناوری کشور بر پایه برنامه‌های قانونمند اقدام و عملیات سامان خواهد یافت.

(۲) به موجب این سند و با لحاظ داشتن مأموریت‌های محوله، حوزه‌های اندیشه و عمل در عتف شفاف و عاری از ابهام و ابهام خواهند شد.

تصویب:

این سند مشتمل بر ۴ چالش و ۴ راهبرد به همراه تزییلات هر یک در مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۰۹ به تصویب رسیده

و لازم‌الاجراء است. //

